

خوانش متن وساختاربیانیه گام دوم انقلاب از منظر اسناد راهبردی در آینده‌نگاری

نویسنده: ایوب نیکونهاد^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال شانزدهم، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۸

چکیده

صدور بیانیه گام دوم انقلاب نشان دهنده آغاز عصر جدیدی از حیات انقلاب اسلامی است دورانی که با طی کردن مراحل ماندن شکل‌گیری و تثبیت نظام در داخل و عرصه بین الملل، اکنون به گفتمان سازی و تصویرپردازی برای آینده انقلاب اسلامی می‌پردازد. واقعیت آن است که در آغازدهه پنجم عمر انقلاب ضرورت داشت تا با تکیه بر تجارب به دست آمده، گفتمان تحول ساز انقلاب اسلامی بار دیگر در قالب یک منشور برای نسل جوان بازنمایی شود که تدوین و ابلاغ بیانیه گام دوم این مهم را به خوبی انجام داده است. تدبر روش شناسانه در متن وساختار این بیانیه نشان می‌دهد که تدوین و نگارش آن دارای یک پیوستار منطقی وقاعده مند است که این سند را از سایر اسناد و متون سیاسی موجود متمایز می‌سازد. با در نظر گرفتن اهمیت این سند، پژوهش پیش روی در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا متن وساختار بیانیه گام دوم از منظر اسناد راهبردی قابل تطبیق است؟ و در ثانی چه ویژگی‌های آینده نگارانه ای را می‌توان برای این سند بیان نمود؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها با بهره‌گیری از روش شناسی آینده نگاری راهبردی سعی گردیده است ضمن تطبیق آن با روش شناسی آینده نگاری راهبردی، راهبردی بودن سند و وجه تمایز آن نسبت به دیگر متون نشان داده شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تطبیق بیانیه گام دوم با متدولوژی اسناد راهبردی بیانگر آن است که از لحاظ ساختار و متن می‌توان برای بیانیه گام دوم ویژگی‌ها و خصلت‌های شکلی، محتوایی و کارکردی متعددی یافت که این سند را همراستا با اسناد راهبردی قرار می‌دهد. همچنین خوانش بیانیه با دید سند راهبردی علاوه بر فهم مناسب و سیستماتیک از آن تاثیر بسزایی بر مخاطبان، تصمیم سازان و مجریان برای تحقق اهداف آن خواهد داشت.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب، سند راهبردی، روش شناسی آینده نگاری.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد
anikunahad@gmail.com

متن نسبتاً مفصل بیانیه «گام دوم انقلاب» که توسط رهبری انقلاب به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی منتشر گردید؛ از منظر ساختاری یک بیانیه و مانیفست تمام و کمال برای چهل سالگی انقلاب است که دو عنصر «افتخار به گذشته انقلاب و مسیر طی شده» و «امید به آینده» ارکان اصلی آن هستند. از طرف دیگر از نظر ماهیتی «بیانیه گام دوم» را باید در قالبی فراتر از یک «بیانیه» که فقط در پی توصیف گذشته و تحلیل نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی است نگاه کرد در واقع از این منظر بیانیه گام دوم را باید یک «سند راهبردی» برای ترسیم هدف گذاری‌های کلان انقلاب برای دهه‌های آینده در نظر گرفت، سند راهبردی که در مرحله اول متن خود با تحلیل ماموریت‌ها و رسالت‌های انقلاب اسلامی و تجارب به دست آمده در طی چهل سال حکمرانی خود به دنبال ترسیم افق چشم انداز آینده فراتر از فراز و نشیب‌ها، روزمرگی‌ها و تنگناهای پیش روی امروز جریان انقلاب است. در اهمیت متن بیانیه گام دوم که آن را برجسته و مستلزم تبیین و تفسیر و هم ردیف اسناد راهبردی می‌سازد می‌توان گفت که اولاً: بیانیه گام دوم انقلاب که سرآغاز دوران جدیدی از عمر انقلاب اسلامی است در مقطعی از سوی رهبری معظم انقلاب صادر گردید که نظام سلطه در طی چهل سال گذشته از انواع و اقسام دشمنی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران فروگذار نکرده و بابه‌ره گیری از ابزارهایی همانند جنگ‌های داخلی در اوایل انقلاب، تحمیل جنگ تحمیلی هشت ساله و تجهیز و تسلیح دشمن به مدرن‌ترین سلاح‌ها و تجهیزات نظامی، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، تحریم‌های سنگین و... همواره در پی زمین گیر کردن انقلاب و به بیراه کشاندن آن بوده است تاجایی که جان بولتون مشاور معزول امنیت ملی دولت ترامپ با اطمینان کامل از طراحی‌های گسترده علیه نظام جمهوری اسلامی پس از ناآرامی‌های دی ماه ۹۶ در اظهاراتی مداخله جویانه و تعجب‌آور اظهار داشت که ایران چهلمین سال انقلاب خود را نباید ببیند. دوماً: برخلاف سایر انقلاب‌های بزرگ که هنگامی که به سن چهل سالگی رسیده‌اند دچار نوعی استحاله در مبانی، اهداف و آرمان‌ها گردیده‌اند صدور بیانیه گام دوم انقلاب در آغاز چهل سالگی انقلاب نشان داد که علیرغم تمامی فراز و نشیب‌های مسیر طی شده در چهل سال گذشته، مبانی، آرمان‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی خدشه ناپذیر بوده و مقید به زمان و مکان خاصی نیست و برخلاف دگرذیسی‌ها در نظریات علوم سیاسی مبانی نظری "نظریه نظام انقلابی" نشأت گرفته از انقلاب اسلامی، یک اصل مسلم و تغییرناپذیر در جمهوری اسلامی و در تمامی دوران‌هاست. ثالثاً: صدور بیانیه گام دوم انقلاب در برهه زمانی که عده‌ای از تحلیل‌گران و صاحب‌نظران دانشگاهی در داخل و اپوزیسیون‌های

خارج نشین نظام مباحثی در طی دو سه دهه گذشته همواره مباحثی در خصوص اتمام دوران گفتمان‌های انقلابی مطرح می‌کنند نشان داد که نه تنها دوران آرمان گرایی انقلابی پایان نیافته بلکه پیشرفت‌ها و دستاوردهای بزرگ جمهوری اسلامی ایران در چهل سال گذشته، مرهون و مدیون گفتمان انقلابی گری است. رابعا: وجه حائز اهمیت دیگر این بیانیه محتوا و مضامین راهبردی موجود در متن آن است. در این بیانیه که می‌توان آن را بازنمایی منشور گفتمان انقلاب اسلامی در نقطه‌ی عطف چهل سالگی به شمار آورد، محورها، فرازها و نکته‌های پرمغزی موج می‌زند و با تعمق و ژرف‌اندیشی در آن، این حقایق روشن‌تر می‌گردد. در مقاله پیش روی با مفروض گرفتن بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان «سندی راهبردی برای آینده انقلاب» در پی تبیین و تشریح ساختار متن بیانیه براساس اسناد آینده نگارانه راهبردی بر خواهیم آمد. در واقع در پی پاسخگویی به این پرسش خواهیم بود که آیا متن و ساختار بیانیه گام دوم انقلاب با اسناد آینده نگارانه راهبردی مطابقت دارد؟ بابره گیری از متدلوژی اسناد آیندنگاری راهبردی با رجوع به اصل متن بیانیه گام دوم به این پرسش پاسخ داده شده است.

تمهیدات و چارچوب نظری:

الف) تصویرپردازی در آینده پژوهی:

آینده پژوهان بر این باورند که ملتی که فاقد تصاویر آینده مطلوب برای خود باشد توسط ملت‌های دیگر به استثمار کشیده خواهد شد و این فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر خواهند بود که برای آینده آن ملت تصویر سازی خواهند کرد. اهمیت تصویر آینده به حدی است که آینده پژوهانی چون جیمزدیتور و فردپلاک مدعی هستند تصویر آینده سنگ بنای آینده پژوهی است و در صورتی که سازمان، ملت و تمدنی تصویری از آینده نداشته باشد، محکوم به شکست است (Dator, 2002, 10) با وجود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عظیم فرهنگی و دینی که در فرهنگ ایرانی - اسلامی برای تصویرپردازی از آینده وجود دارد، به دلیل غفلت از این امر و اینکه علم ورشته آینده پژوهی در کشوری همانند ایران نوپا است و بر اساس آزمون و خطا پیش می‌رود (پایا و برادران شرکاء ۲۰۱۰: ۴۸۶) و در عین حال نتوانسته است مطابق با آرمان و ارزش‌های جامعه به خوبی برای آینده تصویرپردازی نماید. در این میان مراکز مطالعاتی، دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و حتی رسانه‌های غربی در قالب فیلم و سینما از پیش‌تازان تصویرپردازی برای آینده بشریت در سطح جهانی بوده‌اند. تصویری که غربی‌ها از آینده مطلوب بشری ارائه می‌دهند به گونه‌ای طراحی می‌گردد که تمدن غربی بر سایر تمدن‌ها غلبه یافته (پور عزت، ۲۰۰۸: ۸۸۹) و یا غرب پیروز میدان است یا مدیریت میدان را برعهده دارد و در صدد تفوق استراتژیک بر جهان است یا اینکه

می‌خواهد برتری فلسفه سیاسی خود را به رخ جهانیان بکشاند (پورعزت، ۱۳۸۲: ۴۷) در حقیقت هدف اصلی آینده پژوهان ساختن آینده‌ای مطلوب بر اساس ارزش‌های جامعه است و این مهم نیازمند بهره‌گیری از بیشترین ابزارها و توانمندی‌های موجود است. (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۵: ۲) هدف برون‌تمدنی آینده‌پژوهی غربی، ایجاد جوامع عقیم در زمینه‌ی آینده‌اندیشی و تحمیل بی‌چون و چرای تصویرهای غربی از آینده بر سایر ملت‌ها است. این موارد همگی نشان از آن دارند که آینده‌پژوهی که در بستر اومانیزم شکل گرفته است یک دانش غربی و سکولار است. در ادبیات آینده‌پژوهی استعاره‌هایی چون «عقیم‌سازی ملت‌ها» موج می‌زند که نشان از همت غرب برای مصادره آینده جهان به نفع خود دارد. بهره‌برداران آینده‌پژوهی مرسوم (غربی) خود را تسلیم جهان‌بینی و اندیشه غرب کرده و راه آنان را برای شکل بخشیدن به آینده دنبال می‌کنند (ماهنامه نامه آینده‌پژوهی، شماره ۵، بهمن ۹۲).

بنابراین بی‌جهت نخواهد بود که رویارویی‌های فرهنگی آینده را صحنه تصویرسازی‌ها برای آینده بشریت بدانیم. بنا بر مباحث که یادآوری گردید اهمیت آینده‌نگاری و چشم‌انداز سازی در بستر اندیشه انقلاب اسلامی بیشتر مشخص می‌گردد چرا که یکی از تفاوت‌های انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها در این است که انقلاب اسلامی ایران یک جریان گذرا و مقطعی نبوده و نیست بلکه فرآیندی از یک اندیشه غایت‌مندانه در پرتو یک چشم‌انداز الهی است (مطهری نژاد، ۱۳۹۴: ۱۲۸) به تعبیری «بزرگ‌ترین ویژگی این انقلاب در ساحت نظر و تفکر، اعتقاد آن به هماهنگی و ارتباط متعادل میان جهان ماوراء الطبیعه و طبیعت و در نتیجه اعتقاد به هماهنگی سازنده میان وحی الهی و عقل انسانی است» (باوند، ۱۳۸۹: ۴۶) با این نگرش، چشم‌انداز انقلاب اسلامی را نمی‌توان به افق زمانی خاصی محدود کرد چرا که انقلاب اسلامی پدیده‌ای مقطعی و برای امروز و فردا نیست بلکه فرایندی مستمر و فراتر از هر افق درازمدت دیگری است و اصولاً عمده‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی کاربردی با پشتوانه فکری و نظری است که جهان‌شمول و معطوف به آینده است. بامفروض گرفتن اندیشه غایت‌مدارانه انقلاب در دایره نظم الهی، رسالت انقلاب اسلامی زمینه‌سازی برای امری والا تر و عظیم‌تر یعنی برپایی حکومت صالحان و شایستگان در زمین خواهد بود که احیا و تمدن‌سازی نوین اسلامی هم بخشی از آن خواهد بود.

ب) چشم‌انداز سازی در آینده‌نگاری راهبردی:

گرچه در نزد صاحب نظران علم آینده پژوهی تعاریف متعددی از آینده‌نگاری ارائه شده است و نمی‌توان به یک تعریف خاص در خصوص آینده‌نگاری بسنده کرد. اما رایج‌ترین تعاریف برای دست‌یابی به یک تعریف مورد اجماع را می‌توان تعاریف ریچارد

اسلاتر، میشل گوده اشاره کرد از دیدگاه اسلاتر آینده نگاری راهبردی عبارتست از توانایی ایجاد و حفظ نگرش با کیفیت، سازگار و روبه جلو و کاربست بینش تولیدی در راه های مفید سازمانی. (اسلاتر، ۲۰۰۲: ۳۸۵-۳۷۲) به باور میشل گوده آینده نگاری راهبردی راهبردی، نگاه بلندمدت، عمیق و گسترده است در حالی که مخاطره کنیم و درباره انسانیت تفکر کنیم و نگاه به آینده، حال را تحت تاثیر قرار می دهد. (گوده، ۲۰۰۸) گاسپار آینده نگاری راهبردی را به عنوان یک دورنما، یک حالت نظام مند تفکر و یک مجموعه ای از فعالیت ها تعریف می که بر پایه فهم ویژگی ها، توانایی ها، الگوهای رفتار و فضا و وضعیت ها برای مانور در محیط اجتماعی استوار است. پشت این ادعا که "علوم گوناگون نشان می دهند آینده نگاری راهبردی مولفه ای مبنایی برای کمال فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی است یا حتی مولفه ای مبنایی برای تمام ابعاد دیگر تکامل انسان"، منطقی اساسی وجود دارد. (گاسپار، ۲۰۱۵: ۴۲۶-۴۰۵) جوزف کوتز آینده نگاری راهبردی را فرآیندی می داند که در آن یک فرد به درک کامل تر نیروهای شکل دهنده به آینده بلندمدت می پردازد که می توان آن را در فرمول بندی سیاست، برنامه ریزی و تصمیم گیری در نظر گرفت (ایجابی، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۴)

گرچه روش های مختلفی هم برای چشم انداز سازی در آینده نگاری راهبردی همانند روش های لاتام، کیگلی، لینگرن و بند هولد، مارتالیزی، مایلس و مونرو و... ارائه شده است (میرشاه ولایتی، ۱۳۸۸: ۷۴-۹۵) و برای هر یک از روش های چشم انداز سازی مراحل نیز در نظر گرفته شده است اما به نظر می رسد برای ترسیم یک سند با ویژگی آینده نگارانه و از نوع راهبردی در مسائل کلان حکومتی روش های چشم انداز سازی کیگلی و مارتالیزی مطابقت بیشتری داشته باشند. از نظر کیگلی چشم انداز، بیانیه ای است که برخاسته از ارزش های مشترک که منبعث از باورهای اصلی است و موجب تمایز نسبت به دیگر اسناد می شود در واقع در این روش چشم انداز از سه مرحله عبور می کند. در مرحله اول ارزش ها به عنوان منبع ثبات، پایداری و هویت خواهی بر شمرده و یادآوری می شوند. در دومین بر شناخت وضع موجود تمرکز می شود و در مرحله سوم اهداف بلند مدت تبیین می گردد که یک سازمان یا کشور قصد تحقق آن اهداف روشن و مشخص را دارند. (میرشاه ولایتی، ۱۳۸۸: ۷۴-۹۵)

در روش مارتالیزی نیز یک سند راهبردی دارای ویژگی هایی بخصوصی است. در این روش در گام اول باید تمامی برهه های مهم یا همه فراز و فرودهای تاریخی کشور برای مخاطبان مشخص شود. در گام دوم ارزش های عمومی یک ملت برای تصویر سازی از جذاب ترین آینده تشریح شود. گام سوم به تصویر کشاندن محیط است در رابطه با چشم

انداز ملی باید محیط ایده‌آلی ترسیم شود و تفاوت‌های محیط ایده‌آل با محیط کنونی نیز بیان شود. گام چهارم شکل بخشیدن به رفتارها و ظرفیت‌ها (یا برشمردن پیشران‌های کلیدی تغییرساز) است. با مقایسه آینده با وضع کنونی رفتارها، توان‌مندی‌ها و ظرفیت‌های لازم برای تحقق آینده‌ی مطلوب استخراج می‌شود. گام پنجم این است که تصویر آینده کشور صیقلی شود و باید روی تصویری که مدنظر است تمرکز گردد درعین حال تصویر باید بازتاب دهنده هویت واقعی یک جامعه باشد و در روح و احساس آحاد مردم آن جامعه رسوخ کند. گام ششم همکاری و محقق کردن اهداف تصویر شده است. مارتالیزی گام‌نهایی را بدین گونه توصیف می‌کند که چشم‌انداز به عنوان آینده جذاب برای ملت ترسیم گردد تا زمینه‌های اجماع و وفاق ملی برای پیشبرد و دست‌یابی به این اهداف محقق شود. (Lasley, 2004: 23-32) از لحاظ ماهیت این روش مبتنی بر خبرگی است و فرد یا افراد صاحب نظر می‌توانند در ترسیم یک سند راهبردی که مبتنی بر نوعی چشم‌انداز بلندمدت باشد نقش بخصوصی در آن ایفا کنند. چنانچه بخواهیم یک مدل مفهومی برای روش مارتالیزی ترسیم کنیم و آن را مبنای تحلیل پژوهش خود قرار دهیم می‌توانیم ساختار شکلی این روش را به صورت شکل زیر نشان دهیم.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش براساس روش مارتالیزی

ساختار بیانیه گام دوم انقلاب :

سیری در بیانیه گام دوم انقلاب نشان می دهد که این بیانیه از یک سیر منطقی براساس متد آینده نگاری برخوردار است و می توان آن را با ساختار روش های آینده آنگارانه مختلفی تطبیق داد. به عنوان مثال در آینده نگاری راهبردی برای تدوین یک سند راهبردی الزاماتی در بر گرفته می شود که این الزامات می تواند شامل بیان مأموریت، رسالت، دستاورد و ترسیم یا خلق چشم انداز برای آینده یک سازمان یا جامعه باشد. (عیوضی و کیقبادی ۱۳۹۱: ۱۵۹-۱۳۳). تدبیر و تدقیق در بیانیه گام دوم انقلاب نشان می دهد که گرچه این سند از حیث ویژگی ها، ساختار، محتوا و کارکردها خصوصیات یک سند راهبردی را داراست از نظر ملزومات روش شناسی اسناد راهبردی نیز این بیانیه یک سند راهبردی به شمار می رود چرا که متن خود در مرحله اول اهداف انقلاب اسلامی یا مأموریت آن را را مورد بررسی قرار داده، سپس در مرحله دوم رسالت انقلاب اسلامی را به مخاطبان خود که ملت ایران هستند یادآوری می کند تا در فراز و نشیب آینده انقلاب اسلامی با یادآوری آنچه که در گذشته اتفاق افتاده و آنچه که در آینده ممکن است پیش روی انقلاب قرار گیرد به فراموشی سپرده نشود. بیانیه گام دوم در مرحله بعدی ضمن برشمردن دستاوردهایی که انقلاب در طی چهل سال گذشته طی کرده به کاستی ها و نقاط ضعف این چهل سال نیز اشاره دارد. سپس در مرحله بعد به ترسیم چشم انداز راهبردی برای انقلاب دست زده که ابتدای آن بر چشم اندازی بلند مدت و افقی روشن برای انقلاب قرار دارد. در ادامه با بهره گیری از روش مارتالیزی برای انسجام پژوهش سعی گردیده است تا ساختار متن بیانیه گام دوم براساس این روش مورد بررسی قرار گیرد تا فهم بهتری از بیانیه به مخاطب برای راهبردی بودن این سند ارائه نماید.

۱- ترسیم برهه های مهم یا فراز و فرودهای تاریخی کشور:

براساس نظر مارتالیزی اولین مرحله در تدوین یک سند راهبردی در آینده نگاری ترسیم برهه های مهم یا فراز و فرودهای تاریخی یک کشور است. ضرورت این مسئله از آن جهت است که مخاطبان سند شناخت نسبی از جایگاه و وضعیت کشور در دوره های مختلف زمانی به دست آورند و به این درک نائل گردند که در یک چشم انداز بلند مدت چگونه و به چه میزان از مسیر تعریف شده را طی کرده اند، وضعیت جامعه و کشور آن ها در حال حاضر چگونه است و برای رسیدن به آرمان ترسیم شده در آینده چه اقداماتی باید انجام دهند. از نظراندی هاینز و پیتر بیشاپ تعدیل نگرش ها و توسعه انتظارات مثبت به جای توجه یک جانبه به علائم منفی از ابتدایی ترین مراحل آینده نگاری راهبردی به شمار می رود. از نظر آن ها غیرممکن است که بدون توسعه سطح مشخصی از نگرش مثبت، توانایی

را برای ساخت آینده نهادینه کرد و ارائه یک تصویر باور پذیر از آینده تنها از طریق کاوش روندها و نشانگرهای مثبت و منفی در کنار یکدیگر امکان پذیر است. (هاینز و بیشاپ، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۲) بیانیه گام دوم انقلاب نیز با تشریح اوضاع و احوال نظام بین الملل در مقطع روی کار آمدن انقلاب اسلامی به ترسیم موقعیت ایران در آن برهه زمانی می پردازد و اینگونه اذعان می دارد که «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوبها را شکست؛ کهنگی کلیشهها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود...» یا در همین راستا و برای نشان دادن فراز و فرودهای تاریخی کشور در طی این چهار دهه و مسیر طی شده از انقلاب اسلامی متن بیانیه بر این نکته تاکید دارد که «برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربهها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می گیرند و...» در ادبیات آینده نگاری مقوله روند پژوهی از اهمیت بسزای برخوردار است. از آن جهت که روند پژوهی الگوی ذهنی از روابط بین رویدادهاست که سمت و سوی آینده را نشان می دهد. روند پژوهی که ارتباط تنگاتنگی با پدیده‌های کیفی دارد رابطه بین رویدادها و منطق تغییرات را بیان می کند. در واقع پایه و اساس طراحی و ساختن آینده مطلوب از طریق استنباط، توصیف، تحلیل و جهت دهی روندها امکان پذیر است. (نظری زاده و میرشاه ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۱۰) بیانیه گام دوم انقلاب در بخش نخست خود از تکنیک روند پژوهی به خوبی بهره گرفته و به همین دلیل است که برای نشان دادن فراز و فرودهای مهم تاریخی کشور در ترسیم شرایط کشور در برهه زمانی پدیدار شدن انقلاب اسلامی نیز مطالب بخصوصی اختصاص داده است «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه یز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود - بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر. ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت و...»

نتیجه ترسیم فراز و فرودهای تاریخی یا به عبارت دیگر روند پژوهی صورت گرفته در

مرحله اول برون یابی روند اولیه یعنی شکل گیری انقلاب اسلامی است که پس از بیان اوضاع و احوال نظام بین الملل و تاثیر و بازتاب انقلاب اسلامی بر فروپاشی نظم دوقطبی و شکل گیری نظم جدید در پرتو مفاهیم متعالی انقلاب به تقابل دو گانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» به عنوان پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر اشاره می‌کند. پرداختن به روندهای طی شده در سیر زمانی چهل ساله عمر انقلاب نیز از جمله نکات مثبت بیانیه است. حتی بیانیه در گذشته چهل ساله انقلاب نیز متوقف نشده و به روندهای فعلی و جاری کشور نیز می‌پردازد که می‌توان از آن‌ها به عنوان پیشران‌های آینده انقلاب در بیانیه نام برد که در بخش‌های آتی پژوهش به آن‌ها خواهیم پرداخت. گرچه به فراخور موضوع متن بیانیه در فرازهایی دیگر مخاطبان را به جایگاه گذشته کشور و علل عقب ماندگی از قافله پیشرفت و توسعه جهانی ارجاع می‌دهد اما برای تطبیق دادن بیانیه با اولین روش مارتالیزی به همین میزان بسنده خواهیم کرد.

۲- تبیین و تشریح ارزش‌ها:

تبیین و تشریح ارزش‌ها در چشم انداز سازی اسناد راهبردی جایگاه ویژه‌ای دارد و معمولاً وجه اشتراک همه روش‌هایی که در خلق اسناد راهبردی و چشم انداز ساز می‌توان پیدا نمود تاکید اکثریت روش‌ها بر تبیین و تشریح ارزش‌ها به عنوان مولفه مهم ثبات، پایداری و هویت خواهی است. در واقع بیان جهان بینی بنیادین یکی از عناصر اصلی در چشم انداز سازی است جهان بینی بنیادین خود از ارزش‌های بنیادین و هدف بنیادین، تشکیل شده است. در تعریفی ساده، ارزش‌های بنیادین موضوع اصلی و ماندگار سازمانند، مجموعه‌ی کوچکی از اصول راهنما که فارغ از زمانند و نیازی به برهان ندارند. ارزش‌های بنیادین، به شدت ثابت‌اند و خیلی کند و طی دوره‌های زمانی بلند، تغییر می‌کنند. ارزش‌های بنیادین، اساس باورهای ما درباره‌ی زندگی، خویشتن، آن‌هایی که پیرامون ما هستند، و استعدادهای نهفته‌ی انسانی ما و دیگران، بنا می‌بند. ارزش‌ها و باورها، نگرش ما را شکل می‌دهند و رفتارمان را هدایت می‌نند. رفتارهایی که از ما سر می‌زند، همان چیزهایی است که مردم اطراف ما می‌بینند، و در راستای مهارت‌ها و و کردار ماست. (میرشاه ولایتی ۱۳۸۸: ۳۶-۳۵) اهمیت پرداختن به ارزش‌ها در نگارش اسناد راهبردی از آن جهت است که ارزش‌ها معیاری برای سنجش درستی مسیر حرکت هستند و در اسناد راهبردی که به خلق چشم اندازهای ارزشی با دیده بانی ارزش‌ها خلق می‌شود به ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها بیشتر نظر دارد. در واقع در ترکیب نوشتاری این اسناد (که دربرگیرنده خلق چشم اندازی برای آینده در متن خود هستند) به وفور عباراتی نظیر الهام بخش، پرفروغ، جایگاه رفیع، نهادینه سازی، رسالت، امید بخشی، فرهنگ برتر

و...مشاهده می‌شود. ما حاصل این اسناد بیانیه‌ها یا منشورهای آرمانی است که زیربنای تحول ساختاری و اجتماعی به شمار می‌رود. در حقیقت هدف عمده از ترسیم این چشم اندازها و سندهای راهبردی مفهوم سازی فرهنگی برای فرد، سازمان یا جامعه است. (پدرام و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۷) یکی از پایه‌های تصویر سازی از آینده تبیین و تشریح مناسب از ارزش‌های جامعه مورد نظر است و این ارزش‌های مشترک است که افراد جامعه را به وفاق جمعی برای رسیدن به یک هدف کلان ملی گردهم می‌آورد. بیانیه گام دوم انقلاب هم به طرز چشمگیری به تبیین و تشریح ارزش‌ها پرداخته است. تبیین و تشریح ارزش‌ها در بیانیه گام دوم انقلاب به گونه‌ای است که می‌توان آن را یک سند راهبردی برای بازنمایی مجدد شعارها و ارزش‌های اصیل انقلابی به شمار آورد. در نخستین فرازهای بیانیه می‌توان یادآوری شعارهایی که انقلاب اسلامی بر آن بنا شده است را مشاهده نمود از جمله شعارها و ارزش‌هایی که نویسندگان بیانیه (رهبری معظم انقلاب) به صراحت آن را مورد تاکید قرار داده است شعارهای آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری است که ریشه در فطرت انسان‌ها داشته و در همه جوامع و در همه عصرها مورد اقبال است. در فراز دیگر بیانیه ضمن آمادگی بر پذیرش و تصحیح خطاهایی مسیر طی شده انقلاب تاکنون، بر فاصله نگرفتن از ارزش‌های انقلابی که با ایمان دینی مردم آمیخته است تاکید دارد و دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی را یکی از ارزش‌های لایتنیغیر انقلاب اسلامی می‌داند.

تاکید بر دفاع از گفتمان مقاومت انقلابی که یکی از مشخصه‌های اصلی انقلاب اسلامی است یکی دیگر از ارزش‌های مورد تاکید در بیانیه گام دوم انقلاب است در واقع «صراحت و شجاعت و ایستادگی در برابر زورگویان و گردنکشان و دفاع از مظلومان و مستضعفان از نظر بیانیه گام دوم انقلاب مایه سربلندی ایران و هرایرانی است. در فرازهای دیگر بیانیه نقش ارزش‌ها و جایگاه آن در آینده انقلاب اسلامی نقش پررنگ‌تری دارد. تاکید بر عنصر ایمان در جهت دهی به مناسبات انقلاب اسلامی چه در مراحل پیروزی انقلاب و چه پس از آن برای طی مسیر چهل ساله پیموده شده، تاکید و اعتقاد به مدیریت جهادی و اصل سازنده «مامی توانیم»، استکبارستیزی، تلاش برای استقرار عدالت، افزایش معنویت و اخلاق و... از دیگر ارزش‌هایی است که در متن این سند راهبردی بارها بر آن‌ها تاکید شده و حتی در مواردی سرفصل‌های مجزایی به خود اختصاص داده است. همچنین در سرفصل گام دوم و توصیه‌های آن برای آینده انقلاب از هفت توصیه اساسی که به جوانان به عنوان پیشران اصلی تغییر آینده دارد شش مورد آن یعنی (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با

دشمن، سبک زندگی) دربرگیرنده مسائل ارزشی است. این امر نشان دهنده آن است که عنصر جهان بینی اسلامی و ارزش‌های برخاسته از آن در نهضت انقلابی ملت ایران و تداوم آن و همچنین در ساخت آینده انقلاب و هدف غایی آن یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی نقش اساسی دارد.

۳- به تصویر کشاندن محیط ایده آل و متفاوت از محیط کنونی:

ترسیم محیط مطلوب یا سناریوی مطلوب یکی از اهداف اصلی به کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی است. در واقع می‌توان گفت وجه تمایز روش‌های آینده‌پژوهی با سایر رشته‌ها در این است که اگر تلاش‌های علمی سایر رشته‌ها معطوف به شناخت وضعیت فعلی است تلاش میان رشته آینده‌پژوهی علاوه بر آن ترسیم سناریویی مطلوب و مورد دلخواه برای آینده است. بدون شک آینده متفاوت از زمان کنونی است و کشف نشانه‌های تغییر در آینده (پیشران) به ترسیم وضعیت مدنظر کمک بسیاری خواهد کرد. در پارادایم امروزی آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری دیگر انتظار پیش بینی حوادث و رویدادها از این علم وجود ندارد بلکه به تعبیر ادوارد کورنیش هدف نهایی آینده‌پژوهی، ساختن آینده بهتر است (Cornish, 2004, 889-891) در واقع طراحی و ساخت آینده مقدم بر پیش بینی آن است. از طرف دیگر به تعبیر ریچارد اسلاتر محیطی که قرار است در آینده به تصویر کشیده شود الزاما با زمان فعلی یکسان نیست. ممکن است این محیط مطلوب به تصویر کشیده شده برگرفته از ریشه‌های تمدنی یک ملت، اساطیر، باورها، اعتقادات و مذهب آن جامعه یا ملت باشد. (Slaughter, 1996, 10) نگاهی به متن و ساختار بیانیه گام دوم انقلاب نشان دهنده آن است که محیط ترسیم شده آینده انقلاب اسلامی بسیار متمایز از محیط فعلی است و مسیر طی شده چهل ساله از عمر انقلاب تنها بخشی از یک ابررویداد مطلوب دست نیافته یا در حال تحقق است. وجه تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های دیگر همانند انقلاب فرانسه، اکتبر شوروی و هند که رهبری معظم انقلاب در فرازهای آن بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره کرده است باور و ایمان به آن هدف متعالی و عنصر معنوی در ذات انقلاب است که هیچ‌گاه اجازه نداده است که آرمان‌های انقلاب که برگرفته از عامل مذهب و دارای پیوندی عمیق و ناگسستنی با اجتماع است به فراموشی سپرده شود. در حقیقت طراحی عالمانه اهداف انقلاب و محدود نکردن آن به یک انقلاب ساختاری (تغییر رژیم) و یا انقلاب اقتصادی نقطه قوت انقلاب اسلامی است. وجود این قابلیت ذاتی در بطن حرکت انقلاب اسلامی، انقلاب را به مثابه یک رودخانه ساری و جاری تبدیل کرده که قابلیت هضم و پذیرش انواع تغییر و تحولات با حفظ اصول بنیادین خود برای دست‌یابی به هدف متعالی‌تر را داراست. حال این پرسش مطرح است که محیط ایده‌آل انقلاب اسلامی که

متفاوت از محیط کنونی است در سند راهبردی گام دوم انقلاب به چه صورت ترسیم شده است؟ محیط ایده آل متفاوت آینده انقلاب اسلامی برطبق متن بیانیه گام دوم حراست از انقلاب و تلاش برای نزدیک شدن به آرمان بزرگ انقلاب که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، خواهد بود.

براساس اندیشه سیاسی رهبری انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای مراحل چند برای دست یابی به تمدن نوین اسلامی تعریف شده است. براین اساس گام اول آن شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بوده که در سال ۵۷ اتفاق افتاده است این گام اساس و مبنای اصلی چه در بعد نظریه پردازی و چه در بعد عملی برای دست یابی به این هدف بلند مدت است. گام دوم دست یابی به تمدن نوین اسلامی نظام سازی اسلامی است این مرحله به مثابه نهادسازی و ساختارسازی برای هدف غایی است دراین گام می توان به تدوین قوانین اساسی و سایر قوانین لازمه برای اداره امور برطبق شریعت و مذهب اسلام، تأسیس نهادهای انقلابی در درون ساختارها و.... اشاره کرد. مرحله سوم تاسیس تمدن نوین اسلامی دولت سازی اسلامی است هدف این گام روی کارآمدن دولت هایی در تراز گفتمان انقلاب اسلامی است که گرچه انقلاب اسلامی تاکنون فراز و فرودهایی دراین زمینه داشته است اما تا رسیدن به دولت تراز مطلوب انقلاب که دال مرکزی آن گفتمان اصیل انقلاب باشد فاصله معناداری وجود دارد. دولت تراز انقلاب اسلامی یقیناً دولتی خواهد بود که دغدغه و تمام تلاش آن در جهت عملی سازی خواسته ها، بنیان ها و شعارهای انقلاب بدون تکیه بر نظریه های وارداتی است. گام چهارم برای احداث تمدن نوین اسلامی امت سازی اسلامی است. هدف این گام با تکیه و اجرایی نمودن بنیان های قرآنی الگوسازی و مدل سازی برای سایر دولت های اسلامی است که قرآن آن را امت واحده نامیده است. بعد از طی این مراحل است که خورشید گفتمانی تمدن نوین اسلامی بار دیگر طلوع خواهد کرد. بنابراین همان گونه که مشاهده می شود در این سند راهبردی محیط ایده آل آینده که متفاوت از محیط کنونی است و رهبری انقلاب در فرازی دیگر از سند به آن اذعان دارد به خوبی ترسیم شده است.

۴- شناسایی پیشران‌ها (شکل بخشیدن به رفتارها و ظرفیت‌ها):

در ادبیات آینده پژوهی روندها بر اساس این پیش فرض بنا گردیده که تغییرات آینده در جهان دارای پیوستگی تاریخی هستند و نشانه های تغییرات آینده را می توان در زمان حال شناسایی کرد. تعاریف متعددی از پیشران در ادبیات آینده پژوهی ارائه گردیده است. گوردون، نیروهای تغییری که در پس یک روند وجود دارند و معمولاً عوامل پیش برنده تغییر به شمار می روند را، پیشران تعریف کرده است (گوردون، ۱۳۹۲: ۱۸۲). در فرهنگ

عبارات آینده پژوهی، پیشران را اصطلاحی کلی تعریف کرده که برای اشاره به هر "نیروی تغییرساز"، که باعث تحول، تاثیر و شکل دادن به آینده می شوند، مورد استفاده قرار می گیرد. این تغییر می تواند توسط اشخاص، نهادها و یا حتی شرایط ایجاد شود (فرهنگ عبارات آینده پژوهی، ۲۰۱۲). همچنین نیروهای پیشران، عوامل، فرایندها، نیروها و عدم قطعیت هایی هستند که تغییرات را در محیط های مختلف اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، فناورانه و غیره ایجاد کرده و به پیش می رانند. (دبیرخانه آینده نگاری ملی، ۱۳۹۵: ۹). بیانیه گام دوم ضمن تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی و تشریح وضعیت فعلی، با به کار بردن تعبیری همانند «کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته در تجربه های گرانبها و...» که همه آن ها محصول پیروزی انقلاب اسلامی و جهت گیری های انقلابی و جهادی است راه طی شده را فقط یک قطعه ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان های نظام جمهوری اسلامی می داند و برای دستیابی به اهداف غایی انقلاب پیشران های تغییرساز متعددی را برمی شمارد. در واقع یکی دیگر از نقاط قوت بیانیه گام دوم انقلاب که آن را جزو اسناد راهبردی می سازد برشمردن پیشران هایی است که به آینده انقلاب اسلامی شکل می دهند و تصویر و آرمان بزرگ انقلاب را عملی می سازند. گرچه یکی از اصلی ترین پیشران های سرنوشت ساز انقلاب اسلامی در تمامی مقاطع و در صحنه های مختلف در چهل سال گذشته «جوانان» بوده اند و امروز هم وظیفه تحقق بخشیدن به اهداف متعالی آینده انقلاب در چهل ساله دوم برعهده آنان گذاشته شده است. کنکاش در متن بیانیه بیانگر وجود پیشران های متعدد دیگری است که بدون توجه و بهره گیری صحیح از آن ها نمی توان به اهداف دست یافت. اگر چنانچه بر طبق تعاریف ارائه شده در فرهنگ عبارات آینده پژوهی مدلی از انواع پیشران ها به دست بیاوریم می توانیم پیشران های موجود در سند را بر طبق جدول شماره ۱ مشخص نمائیم.

جدول شماره ۲: پیشران های آینده ساز بیانیه گام دوم انقلاب (منبع: نگارنده)

حوزه اثرگذار پیشران							نام پیشران
سیاسی	اقتصادی	مذهبی	فرهنگی	اجتماعی	مذهبی/اخلاقی	فناوری/علمی	
	*		*	*	*		نیروی انسانی جوان مستعد و مومن
	*	*					منابع طبیعی و ذخایر زیر زمینی
	*	*	*	*	*	*	علم و پژوهش/علم و فناوری
		*	*	*	*	*	معنویت و اخلاق

حوزه اثرگذاری پیشران							نام پیشران
سیاسی	اقتصادی	محیطی	فرهنگی	اجتماعی	مذهبی / اخلاقی	فناوری / علمی	
*	*		*	*	*		عدالت و مبارزه با فساد
*			*	*	*		استقلال و آزادی
*			*	*	*		عزت ملی، روابط خارجی و...
*			*	*	*		سبک زندگی

تامل در پیشران های برشمرده شده در متن بیانیه گام دوم انقلاب حاوی چند نکته اساسی است: اولاً پیشران هایی که رهبری معظم انقلاب برای آینده سازی و دست یابی به آرمان بزرگ انقلاب یعنی تمدن نوین اسلامی برشمرده است از جنس ماهیت شکل دهنده به خود انقلاب است. بنابراین اعتقاد صاحب نظران و نظریه پردازان تراسلی شکل دهنده به انقلاب اسلامی دارای ماهیت نرم بوده است رهبری انقلاب که پرچمدار و طلایه دار گفتمان انقلاب اسلامی و مطمئن ترین مرجع برای تبیین و تفسیر اندیشه های حضرت امام ره است و با علم و آگاهی که برگرفته از پشتوانه قرآنی و فقهی نظریات ایشان است اکثر پیشران های تمدن ساز آینده انقلاب را به لحاظ ماهیتی از جنس عوامل شکل دهنده انقلاب (باماهیت نرم) قرار داده اند. دوماً: گرچه شکل گیری تمدن نوین اسلامی به ملزومات مادی و فناورانه هم نیاز دارد اما مبناسازی های فرهنگی و اخلاقی و گفتمانی که پایه و اساس شکل گیری بینش تمدنی است ضرورت بیشتری دارد. در واقع زیربنای تمدن سازی نوین اسلامی گفتمان سازی بر مبنای آموزه های دین مبین اسلام است و تا زمانی که زیربنای مسئله به خوبی ساخته و پرداخته نشود و نرم افزار شکل دهنده به جهت گیری ها به سمت و سوی این حرکت عظیم و آرمان بزرگ فراهم نگردد ملزومات مادی و سخت افزاری نمی توانند کاربردی چندانی داشته باشد چرا که آرمان و چشم انداز انقلاب را نمی توان با مقیاس های کمی اندازه گیری کرد. همچنان که دنیای غرب امروز مظاهر رشد و مبنای مادی توسعه را به سرعت پیموده است اما چون از لحاظ نرم افزاری زیربناها فراهم نگردیده همین مظاهر توسعه سبب بحران های متعددی شده است. به تعبیر ریچارد اسلاتر اندیشه ی غرب معاصر بیش از اندازه و به شیوه ای افراطی به رویکردهای مادی گرایانه، علمی، فناورانه و خردگرایانه در عرصه ی زندگی وابسته شده است. او می گوید: «رویکرد سکولار فاقد توازن و تعادل و غیرکامل است». از نظر اسلاتر «غرب مدرن مالک فرهنگی به شدت صنعتی و مادی گرایانه است که تاریخ بشر

را به نقطه‌ی بحرانی کشانده است. این فرهنگ استعداد تحقق مصایب را موجب شده است. پیدایش این شرایط نابهنجار، برآیند ذهن نامتوازن و شیوه‌ی نامتعادل زندگی ما است. به همین سبب، ایدئولوژی‌های حاکم بر آینده‌نگری می‌بایستی شیوه‌های اندیشه و ارزش‌های ما را تا فراسوی فرهنگ و قلمروهای ذهنی گسترش دهند، به‌ویژه اگر خواستار آن باشیم که به شیوه‌ای پیروزمندانه از این نقطه بحرانی گذر کنیم و فراتر از آن برویم» (اسلاتر، ۱۹۹۶: ۲۸). در جمع بندی پیشران‌ها به استناد جدول شماره ۱ می‌توان گفت که پیشران‌هایی که رهبری انقلاب برای آینده سازی در متن بیانیه گام دوم بر آن‌ها تاکید نموده است کلیده‌های تغییر و تحول در یک جامعه اسلامی برای دست یابی به یک هدف متعالی (تمدن سازی) است. وجه متمایز و برجسته این پیشران‌ها در منظومه فکری رهبر انقلاب واقع بینی آرمان نگرانه است این امر به معنی توجه به این پیشران‌ها با ملحوظ و مفروض قرار دادن و برشمردن نقاط قوت و ضعف فعلی کشور در هریک از آن‌هاست. به عنوان مثال پیشران اقتصاد را وقتی در متن بیانیه مورد توجه قرار دهیم رهبری معظم انقلاب علاوه بر برشمردن ظرفیت‌ها و امکانات کشور برای جهش اقتصاد ایران در دهه های آینده نقاط ضعف و چالش‌های فعلی پیش روی اقتصاد را در سه مقوله ساختار معیوب اقتصادی، چالش‌های مدیریتی و عامل خارجی تحریم مورد توجه قرار داده است. درواقع این ویژگی از نقاط قوت متن بیانیه گام دوم انقلاب است که باتوجه همزمانی به ظرفیت‌ها به چالش‌های هریک از پیشران‌ها به صورت دقیق و واقع بینانه پرداخته است امری که در کمتر سند راهبردی می‌توان آن را یافت.

۵- برجسته سازی تصویر آینده:

یکی از ویژگی‌های اسناد راهبردی برجسته سازی و صیقل بخشی به تصویر و دورنمای ترسیم شده در متن آن اسناد است. به تعبیر مارتالیزی در این مرحله لازم است تصویرسازمان یا کشور صیقلی شود باید روی تصویری تمرکز گردد که شایسته ستایش باشد تصویر باید بازتاب دهنده هویت واقعی باشد و در روح و احساس آحاد جامعه رسوخ کند. (Lasley, 2004) در واقع پس از اینکه فراز و فرودهای تاریخی یک کشور برای مخاطب به صورت خلاصه و جامع تبیین و تشریح گردید. (بیان اینکه جایگاه کشور در معادلات گذشته به چه صورتی بوده و در شرایط فعلی در چه جایگاهی قرار دارد و اینکه نقطه مطلوب هدف گذاری برای آینده کجاست) و همچنین ارزش‌های شکل دهنده به روند حرکت یک ملت تشریح و پیشران‌های آینده ساز مشخص گردید باید محیط متفاوت و متمایز آینده برای مخاطب به خوبی تفسیر گردید. این محیط برای مخاطب که در بیانیه گام دوم ملت ایران در نسل فعلی و نسل‌های آینده هستند باید به گونه‌ای برجسته و صیقل داده شود که زمینه نهادینگی

آن در سطح جامعه فراهم گردد و به عنوان یک آرمان بزرگ همه شهروندان کشور در قبال آن احساس وظیفه و تکلیف نمایند. تصویر آینده انقلاب و آرمان آن یعنی دست یابی به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) برای ملت ایران بیگانه نیست. در فرهنگ سیاسی شیعی و آموزه‌های قرآنی به مومنان وعده صادق داده شده که سرانجام امر حکومت در زمین به دست صالحان و شایستگان خواهد افتاد. شاهد مثال‌های قرآنی متعددی را می‌توان برای این وعده صادق ذکر کرد. یکی از این آیات آیه ۵ سوره قصص است که خداوند متعال می‌فرماید «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قرآن کریم، سوره قصص آیه ۵) مفسرین در تفسیر این آیه آورده‌اند که شک نیست که هرگاه اراده‌ی الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسئله قطعاً عملی خواهد شد و مانعی نمی‌تواند سدّ راه آن گردد، قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقق خواهد شد. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۷ ج ۷) آیات دیگر قرآنی که چشم انداز آینده جامعه اسلامی و مهدوی را به مومنان نشان می‌دهند را می‌توان مشتمل بر آیاتی نظیر آیه ۵۵ سوره نور «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و سایر آیات مشابه دانست. گرچه وعده خداوند برای حاکم کردن صالحان یک وعده قطعی و تخلف ناپذیر است اما زمینه سازی برای دست یابی به این امر بر عهده مومنان گذاشته شده است. برجسته سازی و صیقل بخشی به اسناد راهبردی به عواملی چند بستگی دارد اولین عامل چگونگی ابلاغ سند ونحوه تجلیل از آن در تمامی سطوح و ساختار و در بین مردم است عامل دوم در برجسته سازی سند، برگزاری نشست‌های علمی و آکادمی برای بحث و تبادل نظر پیرامون تصویری از آینده است که درسند تجلی یافته است. (برگزاری همایش‌ها و بازخوانی سند و تصویر آینده گرچه یک ضرورت است اما نباید تبدیل به اصل شود) عامل سوم در برجسته سازی سند فرهنگ سازی توسط رسانه‌های جمعی است پرداختن به سند در رسانه‌های جمعی علاوه بر ایجاد وفاق در بین نخبگان به نهادینه سازی ادبیات سند کمک فراوانی خواهد کرد همچنین تدوین و تصویب قوانین مورد نیاز برای هماهنگی دستگاه‌های حاکمیتی برای رسیدن به اهداف و حرکت سازمان‌ها به سمت و سوی آن یک ضرورت است. لاتام (۱۹۹۵) هم نحوه ابلاغ و تجلیل یک سند راهبردی را دارای اهمیت بسیاری می‌داند و بر این باور است که نحوه و چگونگی ترویج فرهنگ یک سند راهبردی تاثیر بسزایی در اجرایی شدن و تحقق اهداف آن دارد. با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع باید یادآوری کرد که سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و

مراکز علمی، رسانه‌های دیداری و شنیداری و همچنین شبکه‌های اجتماعی در بستر اینترنت که ظرفیت عظیمی در ترویج فرهنگ و نهادینه سازی یک سند راهبردی و قابل اجرایی کردن آن دارند باید فهم مطالبات انقلاب در دهه پنجم و همچنین تصویرپردازی‌های که در بیانیه گام دوم انقلاب برجسته شده است را در دستور کار خود قرار دهند.

۶- همکاری کردن و محقق کردن اهداف تصویر شده:

مارتالیزی برای محقق شدن اهداف در یک سند با ویژگی‌های آینده نگارانه و راهبردی دو جنبه مهم را قابل تکفیک می‌داند. یک بعد همکاری برای تحقق اهداف از نظر وی شخصی و یک بعد دیگر سازمانی است. (Lasley, 2004) در بعد شخصی افراد باید به این موضوع بیندیشند که چه خدمتی می‌توانند برای تحقق اهداف عالی که در یک سند راهبردی به نگارش درآمده که آرمان‌های یک جامعه در آن تجلی پیدا کرده است انجام دهند. زمانی این امر قابل تحقق است که سند و متن و همچنین آرمان‌های احصاء شده در آن به صورت یک امر ایمانی و عرفی در تمامی سطوح رفتار فردی و ساختار سیاسی-اجتماعی یک ملت نهادینه گردد. در واقع زمانی که آرمان‌های یک سند از بطن اعتقادات، هنجارها، باورها و آرمان‌های فرهنگی یک جامعه اقتباس شده باشد می‌تواند به عنوان خواست عمومی یک ملت در تمامی سطوح جامعه نهادینه گردد و افراد یک جامعه آماده هرگونه فداکاری برای تحقق آن اهداف متعالی خواهند شد. بدون شک آرمان‌های سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب از این امر مستثنی نیست و هرآنچه که در متون بیانیه گام دوم انقلاب قابل مشاهده است دارای پشتوانه‌های قرآنی و روایی مستحکمی است که نه فقط پیشران حرکت ملت ایران در گام دوم بلکه پیشران‌های شکل دهنده به گام اول (پیروزی انقلاب اسلامی) نیز بوده است. در واقع روح جمعی حاکم بر متن بیانیه گام دوم انقلاب همان بازنمایی و بازاندیشی مفاهیم و گفتمان پیشبرنده انقلاب اسلامی است که امروز با تجربه راه چهل ساله طی شده در اختیار نظام اسلامی قرار گرفته و با آسیب شناسی آن توسط رهبری معظم انقلاب بار دیگر آرمان‌های اصلی انقلاب به عنوان چراغ پیش روی حرکت انقلابی ملت ایران مطرح گردیده است. آرمان‌های متعالی و الهی انقلاب قبل و بعد از پیروزی انقلاب تاکنون به گونه‌ای بوده که ملت ایران در همه صحنه‌ها و میدان‌هایی که ضرورت داشته حاضر به جانفشانی کردن برای تحقق آن بوده‌اند پیروزی انقلاب، پیش بردن جنگ تحمیلی، مقابله با جنگ اقتصادی نظام سلطه، گذر موفق از همه توطئه‌ها و دشمنی‌های آن‌ها تنها چند شاهد مثال برای اثبات این مدعا است. بعد سازمانی مسئله ناظر به وظایف سازمان‌ها برای تحقق بخشیدن به اهداف ترسیم شده در یک سند راهبردی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن تثبیت جایگاه رهبری

وظایف و اختیارات ایشان نیز به وضوح مشخص گردیده است. در اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام از حوزه اختیارات رهبری قرار داده شده است. و برطبق اصل ۵۷ قانون اساسی قوا حاکم در جمهوری اسلامی ایران (قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه) با وجود مستقل بودن از یکدیگر زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند اداره می شوند گرچه اصل ۶۰ قانون اساسی شبهات مطرح شده پیرامون این اصل را برطرف کرده و اشعار می دارد که "اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است." (ص ۱۳۸۳، ۳۷-۳۱) با این وجود جایگاه قانونی رهبری در قانون اساسی به خوبی تبیین گردیده و برطبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی بالاترین مقام رسمی کشور است. در عین حال رهبری انقلاب دارای یک جایگاه شرعی بخصوصی در جامعه مسلمان شیعی ایران نیز هست که وی را نائب امام معصوم در عصر غیبت می دانند. نکته قابل توجه در این میان آن است که همه فقهای شیعه از قرن دوم تا کنون بروجوب اداره جامعه اسلامی توسط شخص فقیه جامع الشرایط تاکید و مخالفت با نظرات ایشان به خاطر اعلمیت و جامعیت نگاه ایشان در مسائل فقهی و حکومتی جایز ندانسته اند. آنچه که از مجموع قریب به اتفاق نظرات فقیهان شیعه تا کنون به دست می آید این است که ولایت برافتاء (فتوا)، ولایت در قضا و فصل خصومت، نظارت بر جریان امور مسلمین نسبت به اجرای قوانین خدا و جلوگیری از انحرافات، امور حسبیه (اموری که از نظر شارع مطلوب و از نظر زندگی اجتماعی ضروری و اجتناب ناپذیرند) و... در حوزه اختیارات ولی فقیه بر شمرده شده است. (کربلایی پازوکی، ۱۳۹۶: ۹۰-۵۰) با وجود جایگاه قانونی و شرعی رهبری انقلاب علاوه بر مردم، ساختار سیاسی حاکمیت نیز وظایف بخصوصی درباره اجرایی کردن فرامین و بیانات ایشان بر عهده دارند. گرچه سند بیانیه گام دوم انقلاب به شرح وظایف و چگونگی کار بست و تحقق اهداف آن اشاره صریحی نکرده است اما مخاطب اصلی بیانیه علاوه بر جوانان و عموم مردم، دستگاه های حاکمیتی نیز هستند و چون قانون اساسی وظایف دستگاه های حاکمیتی در خصوص تعیین سیاست های کلی نظام را مشخص کرده است این نهادهای قوام یافته بر طبق قانون موظف اند ساز و کارهای اجرایی فرامین رهبری را طراحی و اجرا نمایند.

۶- تبیین چشم انداز و سند راهبردی به عنوان آینده جذاب:

از نظر مارتالیزلی ویژگی نهایی یک سند راهبردی این است که این سند ضمن ایجاد همدلی و وفاق پیرامون آرمان های موجود و به نگارش در آمده بتواند خود را به عنوان آینده

جذاب یک سازمان یا یک جامعه نهادینه کند. در واقع پیش شرط یک سند راهبردی این خواهد بود که متن سند بتواند با غلبه بر چالش‌ها و مشکلات مقطعی پیش رو در مقطع فعلی نوید دهنده فردایی بهتر برای مردمان یک جامعه باشد. جستاری در متن بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد که ترویج حس امید، انگیزه بخشی به نسل جوان به عنوان مخاطب اصلی بیانیه و همچنین نگاه خوش بینانه و درعین حال واقع گرایانه از ویژگی‌های این سند راهبردی است. در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب تحقق آینده مطلوب در پرتو نگاه واقع گرایانه و با امید و خوش بینی است که قابل دست یابی خواهد بود این نوع نگاه در بیانیه گام دوم انقلاب نیز ساری و جاری است و در فراز گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی نیز بر آن صحنه گذاشته شده است. "اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز بر حذر داشته‌ام و بر حذر می‌دارم." در ادامه بیانیه رهبری معظم انقلاب ضمن اشاره به سیاست‌های تبلیغی و رسانه‌ای دشمن در طی چهل سال گذشته بر این باور است که: "جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشند. و در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهند. رهبری انقلاب راندن ترس و نومییدی را از خود و دیگران نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان می‌داند.

درعین حال برانگیختن و تهییج احساسات و عواطف مردم برای جذاب بودن سند برای یک ملت امری ضروری به نظر می‌رسد در واقع یک سند راهبردی باید علاوه بر بسیج‌کنندگی افکار عمومی دارای ویژگی‌هایی همانند غرور آفرین و اشتیاق برانگیزی، با دارا بودن واژگان هیجان آفرین و چالش برانگیز و قدرت انگیزش قوی و برانگیزاننده مشارکت همگانی و مشوق حرکت باشد (گرامی طیبی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۰) می‌توان گفت سند راهبردی بیانیه گام دوم هم موجد همین ویژگی‌هاست و می‌توان گفت در بخش‌های عمده‌ای از متن بیانیه ایجاد حس غرور آفرینی و هیجان و دعوت به حماسه آفرینی قابل مشاهده است. به عنوان مثال در فرازی از بیانیه رهبری معظم انقلاب تصریح کرده‌اند که "... دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید." و یادارنده‌های توصیه علم و دانش تصریح شده که "به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید." ویژگی حماسی بیانیه گام دوم انقلاب درعین نگاه واقع بینانه و علمی آن به وضعیت فعلی و ترسیم آینده مطلوب می‌تواند این سند را به عنوان یک آینده جذاب برای نظام سیاسی مطرح کند و آن را هم‌ردیف اسناد راهبردی نماید.

نتیجه گیری:

در پژوهش پیش روی سعی گردید به این پرسش پاسخ داده شود که اگر بیانیه گام دوم انقلاب را با ویژگی یک سند راهبردی تلقی نمائیم آیا این سند قابلیت تطبیق با متدولوژی آینده نگاری راهبردی را دارد؟ از میان روش های تدوین اسناد راهبردی روش مارتالیزی برای نگارش اسناد راهبردی و چشم انداز سازی انتخاب گردید و سعی شد تا سند بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس آن تطبیق داده شود. خوانش بیانیه گام دوم انقلاب بر طبق الگوی اسناد راهبردی علاوه بر آن که در فهم و متن بیانیه مخاطبان و تصمیم سازان را یاری می رساند در بردارنده دستاوردهایی است که آن ها را تشریح خواهیم کرد.

۱- یافته های پژوهش بیانگر آن است که بیانیه گام دوم انقلاب از حیث ویژگی های اسناد راهبردی دارای ویژگی هایی نظیر جامعیت در پرداختن به مسائل، با دیده بانی آینده انقلاب توسط صادرکننده آن و بیانگر ارزش ها و آرمان های یک جامعه است. در واقع می توان گفت از حیث این ویژگی ها سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب توانسته است به خوبی این خصوصیت ها را در خود برای مخاطب به تصویر بکشد.

۲- یک سند راهبردی علاوه بر آن که دارای پشتوانه های عقلانی و قانونی مستحکمی است با بهره گیری از ویژگی هایی همانند غرور آفرینی و قدرت انگیزش قوی، مشارکت همگانی را برای دست یابی جامعه و یا یک ملت را برای دست یابی به اهداف والای خود برمی انگیزاند. همان گونه که در متن پژوهش نیز تصریح گردید بیانیه گام دوم به لحاظ سبک نگارشی با بهره گیری و ترکیب دو قوه عقلانیت و قدرت انگیزش توانسته است خود را همدریف اسناد راهبردی معتبر نشان دهد.

۳- از کارکردهای یک سند راهبردی می توان به استاندارد سازی حرکت جمعی یک ملت، پیوند زدن حال و آینده آن، برجسته سازی آرمان های مشترک، وحدت بخشی و ایجاد انسجام، افزایش قدرت برخورد با مشکلات، الهام بخشی به ذینفعان و معنا بخشی و... است. تدقیق و تعمق در کارکردهای بیانیه گام دوم انقلاب و گفتمان حاکم بر آن بیانگر آن است که این بیانیه تمامی کارکردهای اسناد راهبردی را داراست و خوانش آن بر طبق اسناد آینده نگارانه راهبردی برای درک فهم و متن بیانیه امری لازم است. هر چند تطبیق گفتمان بیانیه گام دوم انقلاب بر طبق کارکردهای اسناد راهبردی که به آن اشاره گردید ظرفیت پژوهش های مستقل دیگری را داراست اما به طور اجمالی باید یادآوری کرد که در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب و تعیین و ابلاغ سیاست های کلی نظام در سال های رهبری ایشان تدوین گردیده است ریشه های تفکر آینده نگاری راهبردی (طراحی و جهت دهی برای ساخت آینده مطلوب انقلاب) به وضوح قابل مشاهده است.

۴- همانگونه که اشاره شد درسند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب و سایر اسناد بالادستی که توسط رهبری انقلاب ابلاغ گردیده تصویر آینده مطلوب برای نظام اسلامی (تمدن نوین اسلامی) به صراحت بیان گردیده است و حتی ایشان گام های دست یابی به تمدن نوین اسلامی را نیز مشخص ساخته اند. در این میان امری که نباید مورد غفلت واقع شود تدوین راهبردهایی برای دست یابی به افق به تصویر کشیده شده است. به نظر می رسد در سند چشم انداز آتی نظام ضمن برجسته سازی آینده مطلوب نظام اسلامی تدوین راهبردها و مشخص کردن ایستگاه هایی راهبردی برای دست یابی به آن امری لازم و ضروری به شمار می رود.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ایجابی، ابراهیم، محمدرحیم عیوضی، مسلم شیروانی ناغانی و ایمان رضایی (۱۳۹۶) "مطالعه تطبیقی تعاریف متکثر از مفهوم میان رشته ای آینده نگاری راهبردی"، فصلنامه میان رشته ای دانش راهبردی، شماره ۲۹ ص ۱۹۴-۱۷۱.
۳. باوند، نعمت الله (۱۳۸۹)، *درآمدی بر نظریه انقلاب اسلامی*، کانون اندیشه جوان.
۴. بیانیه گام دوم انقلاب قابل دسترسی به نشانی اینترنتی (<http://farsi.khamenei.ir>)
۵. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲) *تصورپردازی از آینده، استراتژی اقدام در سیستم های اجتماعی*، سخن سمت. ش ۱۰
۶. پدram، عبدالرحیم و همکاران (۱۳۸۸)، *آینده پژوهی، فاهیم، روش ها، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی*.
۷. *خبرگزار تسنیم* (www.tasnimnews.com/fa/news/1396/04/12/1451987)
۸. دبیرخانه آینده نگاری ملی (۱۳۹۵) *فراروندهای جهانی: نیروهای پیشرانی که پیروزی فراروندهای جهانی را برعهده دارند*، تهران، برنامه ملی آینده نگاری.
۹. صفار، محمدجواد (۱۳۸۳) *حقوق اساسی: آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات استادی.
۱۰. عیوضی، محمدرحیم و علیرضا کیقبادی (۱۳۹۱) "تبیین قلمرو راهبرد، ماموریت، رسالت، هدف و چشم انداز در آینده نگاری راهبردی" فصلنامه مطالعات آینده پژوهی، سال اول، شماره ۳، ص ۱۶۰-۱۳۳.
۱۱. عیوضی، محمدرحیم؛ پدram، عبدالرحیم، امکان پذیری و چگونگی تحقق آینده پژوهی اسلامی، فصلنامه مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۳ ش.

۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸) *تفسیر نور*، ج ۸، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. کربلایی پازوکی، علی (۱۳۹۶) *ولایت فقیه: پیشینه، ادله و راهکارهای اعمال آن*، تهران، دفتر نشر معارف.
۱۴. گرامی طیبی، محسن (۱۳۹۵) *اهمیت و ویژگی‌های چشم‌انداز در آینده پژوهی*، ماهنامه نامه آینده پژوهی، شماره ۳۸.
۱۵. گوردون، آدام (۱۳۹۲) *فهم آینده*، ترجمه طیبه واعظی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. *ماهنامه نامه آینده پژوهی*، شماره ۵، بهمن ۹۲ ص ۲.
۱۷. مونرو، مایلز (۱۳۸۵)، اصول و قدرت چشم‌انداز، ترجمه‌ی فرزانه میرشاه‌ولایتی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۸. مطهری نژاد، سید مجید، محمدهادی همایون و سعید خزایی (۱۳۹۴) *"درآمدی بر آینده پژوهی فرهنگی-تمدنی انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه حق مدار مهدویت"* دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، زمستان ۱۳۹۴ ص ۱۵۶-۱۱۷.
۱۹. میرشاه‌ولایتی، فرزانه (۱۳۸۸) *راهنمای عملی تدوین چشم‌انداز*، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی
۲۰. میرشاه‌ولایتی، فرزانه و فرهاد نظری زاده (۱۳۸۹) *پویش محیطی*، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۲۱. هاینز، اندی و پیتربیشاپ (۱۳۹۵)، *تفکر درباره آینده: رهنمودهایی برای آینده نگاری راهبردی*، ترجمه مهدی ذوالفقار زاده و همکاران، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
22. Cornish, Edward (2004). **"Futuring: The Exploration of the Future"**. Bethesda, Maryland: World Future Society, p889-891
23. Dator, J. A. (2002), **Advancing Futures: Futures Studies in Higher Education**, Greenwood Publishing Group 17(5), 405-426. doi:10.1108/FS-03-2015-0017.u8
24. Gaspar, T. (2015). **Strategia Sapiens-strategic foresight in a new perspective**. Foresight, Glossary of Futures Studies Terms (2007). Retrieved June 30, 2012, from <http://www.audiencedialogue.net/gloss-fut.html>
25. Godet M. , Durance, P. (2008), **La Prospective stratégique, pour les entreprises et les territoires**, Paris, Dunod, collection « Topos+ ».
26. Latham, R. John (1995) **"Visioning: The Concept, Trilogy, and Process"**, American Society for Quality. Quality Progress Journal.
27. Lindgren, Mats & Hans Bandhold (2003) **"Scenario Planning: The link between future and strategy"**, Palgrave Macmillan Press.
28. Lasley, Martha, (2004) **"Courageous Visions**, Discover press,.

29. Slaughter, R. A. (1996), **"The knowledge base of futures studies as an evolving process"**, Futures, Vol.28, No.9: 799-812.
30. Slaughter, R. A. (1996) **"The Knowledge Base of Futures Studies as an evolving process"**, Futures, vol. 28, No.9, b.
31. Slaughter, R. A.(2002) **Futures studies as an intellectual and applied discipline**, American Behavioral Scientist 42 (3) 372–385.
32. Paya,A,& Baradaran Shoraka,H.(2010) **Futures Studies in Iran: Learning through trial and error**, Futures,42(5),484-495. doi:10.1016/j. Futures.2009.11.033.
33. Pourezzat, Ali Asghar; Mollae, Abdolazim; Firouzabadi, Morteza (2008); **"Building the future: Undertaking proactive strategy for national outlook"**, Futures: the journal of policy,planning and futures studies, Vol. 40, PP. 887-893.